

# هدیه‌های آسمان

تعلیم و تربیت اسلامی

پنجم دبستان

وزارت آموزش و پرورش  
سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی

برنامه‌ریزی محتوا و نظارت بر تألیف: دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتاب‌های درسی

نام کتاب: کتاب کار هدیه‌های آسمان پنجم دبستان - ۲۳/۴

شورای برنامه‌ریزی و تألیف: غلامعلی احمدی، محمد مهدی اعتصامی، ناصر باهنر، محمدحسن راستگو، سعید راصد، فاطمه رمضان‌ی،

علیرضا رحیمی، ابوذر رضا سلطانی، غلامعباس سرشور خراسانی و فریده عصّاره

ویراستار: افسانه حجتی طباطبائی

آماده‌سازی و نظارت بر چاپ و توزیع: اداره‌ی کل نظارت بر نشر و توزیع مواد آموزشی

مدیر هنری: مجید ذاکری

تصویرگر: محبوب حبیب‌وند مرند

صفحه‌آرا: طرّفه سہائی

ناشر: اداره‌ی کل نظارت بر نشر و توزیع مواد آموزشی

تهران: خیابان ایرانشهر شمالی - ساختمان شماره‌ی ۴ آموزش و پرورش (شهید موسوی)

تلفن: ۸۸۸۳۱۱۶۱-۹، دورنگار: ۸۸۳۰۹۲۶۶، کد پستی: ۱۵۸۴۷۴۷۳۵۹

وبسایت: [www.chap.sch.ir](http://www.chap.sch.ir)

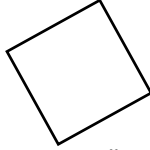
چاپخانه: شرکت افست «سهامی عام» ([WWW.Offset.ir](http://WWW.Offset.ir))

سال انتشار و نوبت چاپ: چاپ نهم ۱۳۹۲

حق چاپ محفوظ است.

شابک ۹۶۴-۰۵-۱۲۵۳-۲ ISBN 964-05-1253-2

## صفحه‌ی دانش آموز



این کتاب مال من است.

نام من ..... است.

من در ..... زندگی می‌کنم

و دانش آموز کلاس پنجم مدرسه‌ی .....

هستم.

نام معلم من ..... است.

# ای خدا



پنجره را می گشایم.

نگاه می کنم ...

آسمان می درخشد

و گنجشکان روی شاخه های درخت بید، جست و خیزکنان، آمدن روزی

دیگر را خبر می دهند.

— صبح شده است!

●

هوا چه لطیف است!

باران تازه بند آمده است.

گل ها سیراب شده اند.

صدای چک چک قطره ها را می شنوم که با نسیم بهاری

هم آواز شده اند!

●

به دور دست ها می نگرم ...

چشمه ها آرام زمزمه می کنند.

جوی ها به نرمی پیچ و تاب

می خورند و دست در دست

رود، می روند تا به دریا برسند.

سکوت می کنم ...

و غنچه ها ...

غنچه ی گل های سرخ و

زرد، خنده کنان می شکفند و

صورت زیبایشان را با

قطره های ریز باران

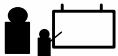
می شویند.

— زندگی چه قدر زیباست!

یادداشت آموزگار مهربان برای من: .....



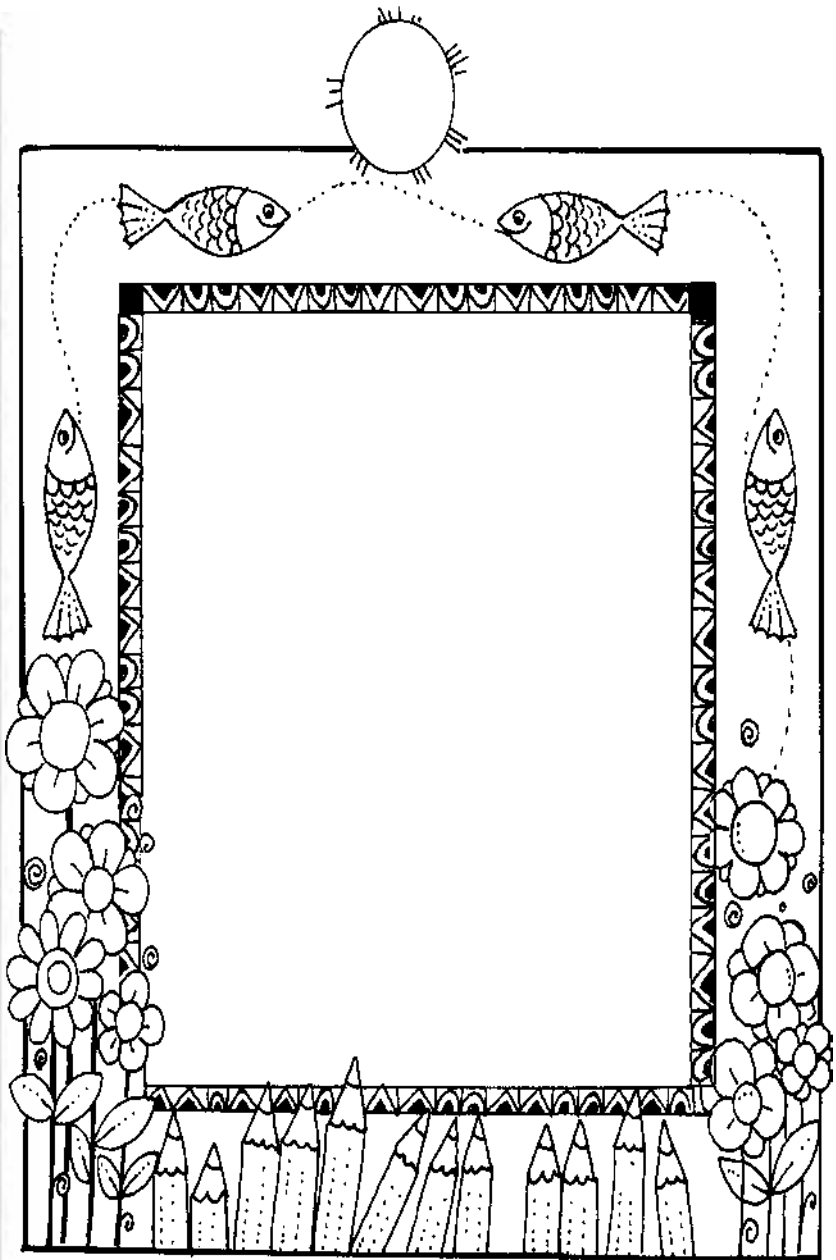
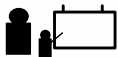
۱. متن را بخوان.





### نقاشی متن

۲. برای متن صفحه‌ی قبل، در  
این صفحه، به دلخواه نقاشی  
مناسبی بکش.



یادداشت آموزگار مهربان برای من: .....



● ای خدای مهربان، اگر تو نباشی ...



کامل کردن متن

۱. با توجه به معنای شعر،  
عبارت بالای صفحه را به  
دلخواه، ادامه بده و کامل کن.  
متن خود را در صفحه ی  
روبه رو بنویس.



۲. متن خود را در کلاس برای  
دوستان بخوان.



یادداشت آموزگار مهربان برای من: .....



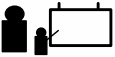
# خورشید در چاه



## دعا و تلاش

هریک از آن‌ها در چه وضعی هستند؟

۱. به تصاویر این صفحه و صفحه ی بعد دقت کن.

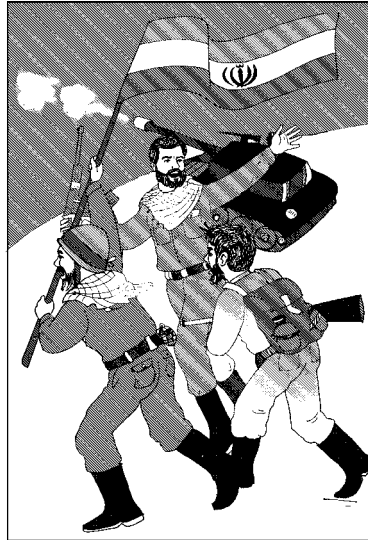


برای حلّ مشکل خود، چگونه از خداوند کمک می گیرند؟ از خداوند چه می خواهند؟ با او چه می گویند؟

۲. نوشته های زیر تصاویر را به دلخواه کامل کن.



خدایا ...



ای خدای مهربان ...

۳. نوشته‌هایت را به دوست  
نشان بده. از او نظر خواهی  
کن. سپس نوشته‌ی او را  
بخوان و نظر خودت را  
درباره‌ی آن بگو.

[illegible]

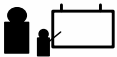
یادداشت آموزگار مهربان برای من: .....





### داستان آیه‌ها

۱. در این صفحه، هر قطعه، ترجمه‌ی یک آیه‌ی قرآن یا قسمتی از یک آیه است. قطعه‌ها را بخوان و سعی کن داستان مربوط به هریک را به یاد بیاوری. تو داستان مربوط به این آیه‌ها را در کتاب درسی قرآن خود خوانده‌ای.



① هنگامی که آن پیامبر خدا در شکم نهنگ گرفتار شد، در آن مکان تاریک و ترسناک، خدای خود را این‌گونه صدا زد: «ای خدای مهربان، خدایی جز تو نیست. تو از هر عیب و نقصی پاک و پیراسته‌ای». (سوره‌ی انبیاء - آیه‌ی ۸۷)

② به یاد آور ماجرای زکریای پیامبر را، هنگامی که گفت: «خدایا، مرا تنها و بی‌کس رها مکن!». (سوره‌ی انبیاء - آیه‌ی ۸۹)

③ و حکایت نوح را یاد کن!

ما پیش از این، او را برای پیامبری فرستادیم و قومش راه مخالفت درپیش گرفتند. (سوره‌ی انبیاء - آیه‌ی ۷۶)

④ الف) پس، دعای او را برآورده کردیم و او را از غم و اندوه و گرفتاری نجات دادیم. ما مردم با ایمان را این‌گونه نجات می‌دهیم. (سوره‌ی انبیاء - آیه‌ی ۸۸)

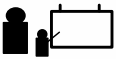
ب) و او را در برابر آن قوم کافر به پیروزی رساندیم و همه‌ی آن‌ها را با طوفان بزرگی غرق کردیم. (سوره‌ی انبیاء - آیه‌ی ۷۷)

پ) ... پس، دعای او را برآورده کردیم و به او فرزندی به نام یحیی و همسری شایسته و توانا دادیم؛ زیرا آن‌ها در انجام دادن کارهای خیر پیشرو بودند و در خوشی و ناخوشی، خدای خود را می‌خواندند و در برابر او سر فرود می‌آوردند. (سوره‌ی انبیاء - آیه‌ی ۹۰)





۲. اکنون قطعه‌ها را به صورت دو به دو به یک‌دیگر مربوط کن تا ببینی پیامبران چگونه از خداوند کمک خواسته‌اند و او آنان را چگونه یاری کرده است.



راهنمایی: هر متن که با شماره مشخص شده به یک متن که با حروف الفبا مشخص شده مربوط می‌شود.

توصیه: می‌توانی از جدول روبه‌رو، استفاده کنی و با یک خط، هر عدد را به یک حرف وصل کنی.



قطعه	قطعه
الف	۱
ب	۲
پ	۳

یادداشت آموزگار مهربان برای من: .....



### جست و جوی معنا

۱. به کمک یکی از  
دوستان، معنای سوره‌ی  
حمد را در قرآن پیدا کن و  
در کادر روبه‌رو بنویس.



۲. همراه با دوستت، معنای  
سوره‌ی حمد را با دقت  
بخوان.





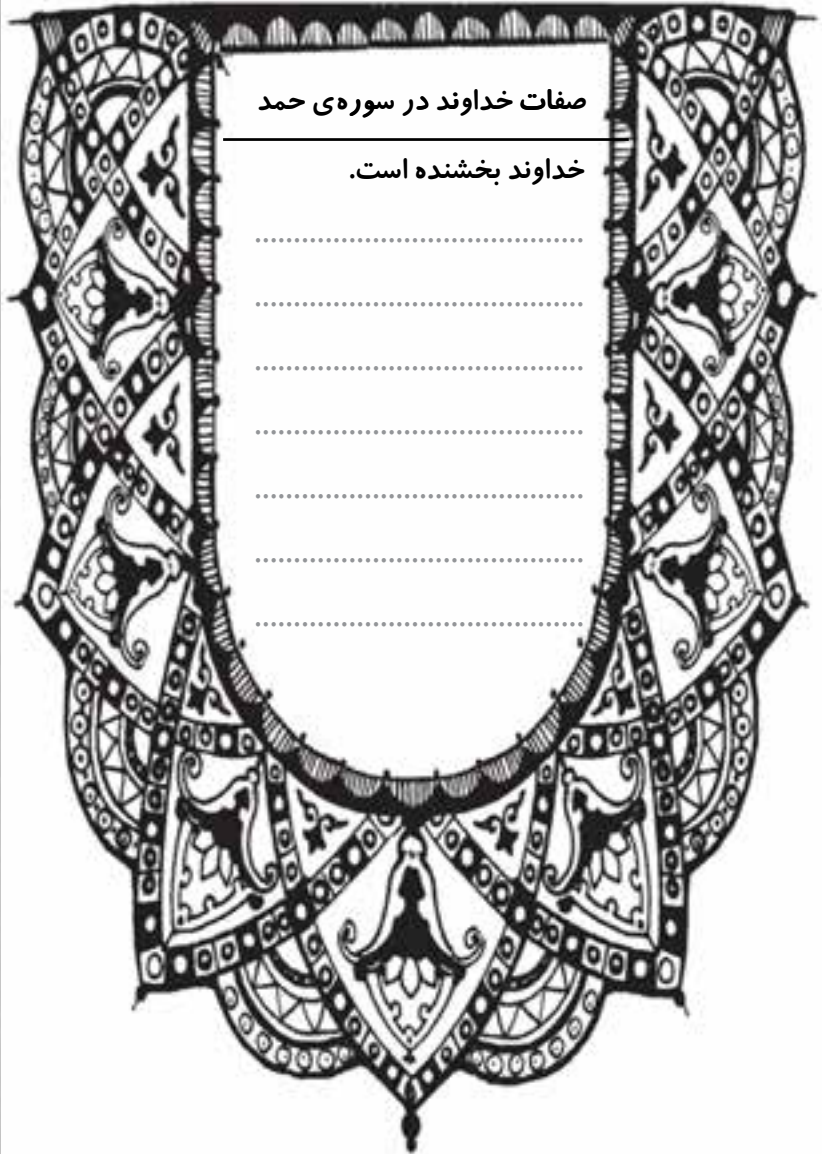
برای خداوند چه صفاتی

می شناسی؟

۳. اکنون با توجّه به معنای

سوره‌ی حمد، جدول را با

همکاری دوستت کامل کن.



صفات خداوند در سوره‌ی حمد

خداوند بخشنده است.

.....

.....

.....

.....

.....

.....

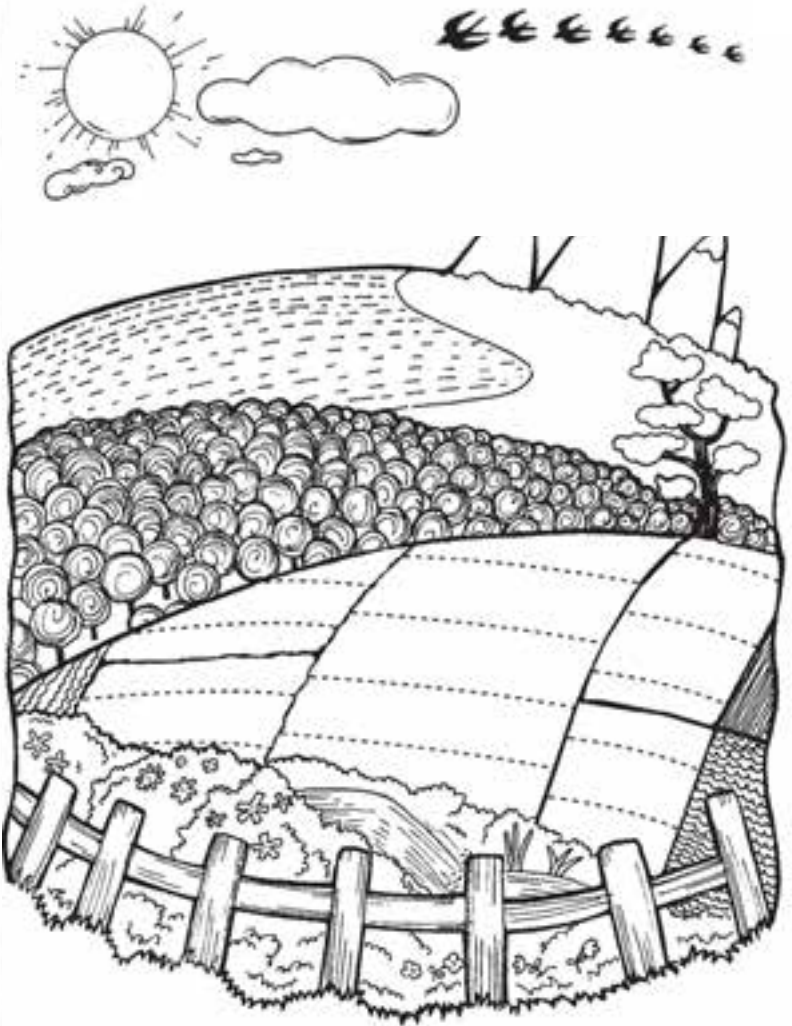
یادداشت آموزگار مهربان برای من: .....



### نوشتنِ متن

یک متن در ستایش خداوند  
یا گفت و گو با او بنویس.  
اگر دوست داری، در متن  
خود از کلمه‌های زیر هم  
استفاده کن.

مهربان، آفریننده، دوست،  
آرزو، بخشنده، صمیمی،  
روشنایی، زیبایی، ...



یادداشت آموزگار مهربان برای من: .....





## من بنده‌ی خداوندم!



### دقت در متن

درباره‌ی حضرت عیسی

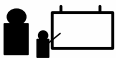
— علیه السلام — و مادر بزرگوار او

چه می‌دانی؟

۱. برای پاسخ دادن به سؤال،

به متن درس دقت کن و

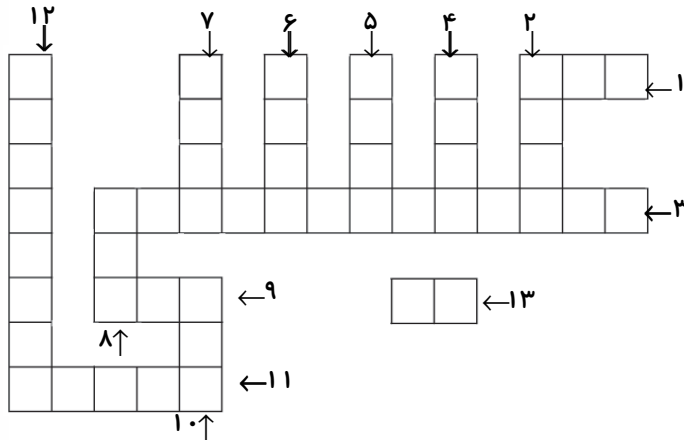
سپیس، جدول را کامل کن.



۲. جدول کامل شده‌ی خود

را با جدول دوستت مقایسه

کن.



۱. میوه‌ها و غذاها از طرف او برای مریم فرستاده می‌شد.

۲. نام پیامبری که حضرت عیسی، آمدن او را مژده داده بود.

۳. حضرت عیسی، خود را این گونه به مردم معرفی کرد.

۴. نام پیامبر قبل از حضرت عیسی

۵. حضرت عیسی، نیکی به او را سفارش کرده است.

۶. مؤمن نیست.

۷. حضرت نوح (ع)، حضرت ابراهیم (ع)، حضرت موسی (ع)، حضرت عیسی (ع) و

حضرت محمد (ص) از پیامبران ..... الهی بودند.

۸. دستور الهی (به دستور الهی حضرت عیسی (ع) در گهواره سخن گفت و خود را

بنده‌ی خدا معرفی کرد).

۹. به جا آوردن واجبات دین مانند نماز و زکات

۱۰. نیایش

۱۱. شفای بیماران توسط حضرت عیسی (ع) و بهبود آن‌ها

۱۲. حضرت عیسی (ع) همراه او دوباره خواهد آمد تا جهان را از عدل و داد پر کند و

انسان‌ها را از نادانی و ستمگری برهاند.

۱۳. همه‌ی کارها به دست اوست.

یادداشت آموزگار مهربان برای من: .....

## ما بت پرست بودیم ...



۱

## برداشت از متن

۱. با توجه به متن درس، پاسخ  
ده.

پس از پیامبر خدا، چه تغییری در  
رفتار مردم ایجاد شد؟  
برای پاسخ دادن به سؤال،  
جدول را کامل کن.



۲. جدول کامل شده ی خود را  
با جدول دوستت مقایسه کن.



بعد از اسلام	قبل از اسلام
۱. خدای یگانه را می پرستیدند	۱. بت می پرستیدند
۲.	۲.
۳.	۳.
۴.	۴.
۵.	۵.
۶.	۶.
۷.	۷.
۸.	۸.
۹.	۹.
۱۰.	۱۰.

یادداشت آموزگار مهربان برای من: .....



### تصویرسازی برای شعر

۱. تصویر مناسبی برای شعر  
بکش و آن را رنگ آمیزی  
کن.



۲. زیباترین قسمت شعر  
درس را با خطّ خوش در جای  
مناسب بنویس.

اگر دوست داری، می توانی  
به جای شعر کتاب، شعر  
زیبای دیگری را پیدا کنی و  
بنویسی.



یادداشت آموزگار مهربان برای من: .....



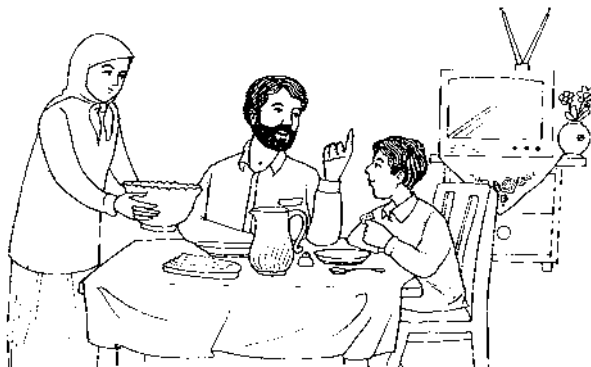
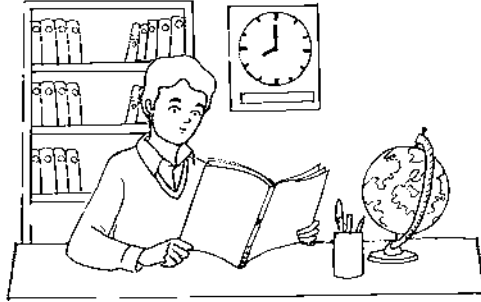


## صبح روز بعد ...



### برنامه ریزی

۱. فکر کن و سپس برنامه ریزی کن.  
برای یک روز خود چه برنامه ای داری؟  
برای انجام دادن یک فعالیت (مثل  
گرددش و تفریح یا درس خواندن)  
چه برنامه ای داری؟





IV



## گزارش

برنامه‌ی روزانه‌ی خانواده‌ی کریمی  
ساعت ۶ زنگ ساعت به صدا درمی آید.  
حامد بیدار شده است و آرام بلند می‌شود.



■  
ساعت ۶/۱۵ حامد دست و صورت خود را  
شسته، وضو گرفته و در حال نماز خواندن  
است. اکنون خواهرش نیز مشغول نماز  
است.



### خواندن متن و پاسخ دادن به سؤال‌ها

۱. این متن‌ها را یک  
دانش‌آموز کلاس پنجم  
نوشته است که درباره‌ی  
برنامه‌ی روزانه‌ی یک  
خانواده‌ی مسلمان است.  
متن‌ها را با دقت بخوان.





■ ساعت ۶/۳۰ حامد و خواهرش در حرکت اند؛ آن‌ها همراه پدر و مادر، چند دور به دور حیاط کوچک خانه‌شان می‌دوند و سپس نرمش می‌کنند. حالا آن‌ها از قبل سرحال‌ترند.



■ ساعت ۶/۴۵ همه خندان و سرحال مشغول خوردن صبحانه‌اند. مادر قبلاً صبحانه را آماده کرده است.



■ ساعت ۷/۱۰ خانواده‌ی کریمی همگی از خانه بیرون می‌روند. حامد و حمیده به مدرسه می‌روند. مادر، نیز به مدرسه‌ی خود می‌رود. مادر، معلم است. پدر نیز به کارخانه می‌رود.



مأنده رحیمیان - کلاس پنجم - مدرسه‌ی ارشاد

یادداشت آموزگار مهربان برای من: .....



۲. برنامه‌ی خانواده‌ی کریمی را با برنامه‌ی روزانه‌ی خودت مقایسه کن.





۳

### تصویر خوانی

۱. همراه با دوستان به  
تصویرها نگاه کن.  
جاجول را که می شناسی!  
او کمی بزرگ تر شده است و  
می کوشد برای خودش  
برنامه ریزی کند اما ...  
آیا موفق است؟

آیا ناموفق است؟





جاجول عزیز، من اگر به جای تو بودم ...

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

جاجول عزیز، تو می توانستی ...

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

یادداشت آموزگار مهربان برای من: .....



### قضایوت و توضیه کردن

۱. درباره‌ی رفتار جاجول با  
دوستانت گفت و گو کن.



۲. اکنون با کمک دوستانت به

جاجول کمک کن تا به نقاط

قوت و ضعف برنامه و

کارهایش پی ببرد.

توضیه‌های خودت را برای

جاجول بنویس.





دوست خوبم محمد، سلام!

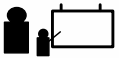
مدتی است که برای انجام دادن یک کار تحقیقی، مشغول تهیه فهرستی از ویژگی‌های پیامبران خدا هستم. من تاکنون موفق شده‌ام تعدادی از این ویژگی‌ها را بیابم. برای این کار، من مثل یک خبرنگار به سراغ بزرگ‌ترها رفتم و این ویژگی‌ها را از زبان آن‌ها شنیدم. آنگاه آن‌ها را در کاغذی نوشتم تا درباره‌ی تعدادی از آن‌ها، متن کوتاهی بنویسم. اکنون فهرست خود را برای تومی فرستم و از تو نیز می‌خواهم چندتایی به آن اضافه کنی. می‌توانی مثل من از بزرگ‌ترها پرسی یا ...)

ضمناً برای سرگرمی، حروف برخی از کلمه‌ها را از هم جدا نوشته‌ام تا تو آن‌ها را پیدا کنی!

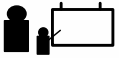


بازی با کلمات

۱. نوشته‌ی حسن مهدوی را بخوان.



۲. کلمه‌های موردنظر حسن را پیدا کن و بنویس.







- ( ر ا ت ف گ س ا ر ت ) کسی که با صداقت با مردم سخن می‌گوید. ....

- ( د ا ر م ا ت ن ا ) کسی که در نگهداری مال مردم دقت می‌کند و اموالشان را به آن‌ها باز می‌گرداند. ....

- ( ب و ر ص ) شکلیا و بردبار. ....

- ( خ خ ش ل و ق ) کسی که با مردم خوب رفتار می‌کند. ....

- ( د ل م ر س د و ز م ) کسی که با دیگر انسان‌ها مهربان است. ....

حسن مهدوی، کلاس پنجم، از مدرسه ی آفتاب



یادداشت آموزگار مهربان برای من: .....



### جست و جو و تحقیق

۱. به داستان‌ها یا کتاب‌های

تاریخی مراجعه کن.



درباره ی پیامبران خدا چه می‌دانی؟

از زندگی پیامبر اسلام چه

داستان‌هایی شنیده‌ای؟

۲. خلاصه ی یکی از داستان‌های

جذابی را که خوانده‌ای، در

پشت این صفحه بنویس.



۳. داستان‌ت را در کلاس بخوان.



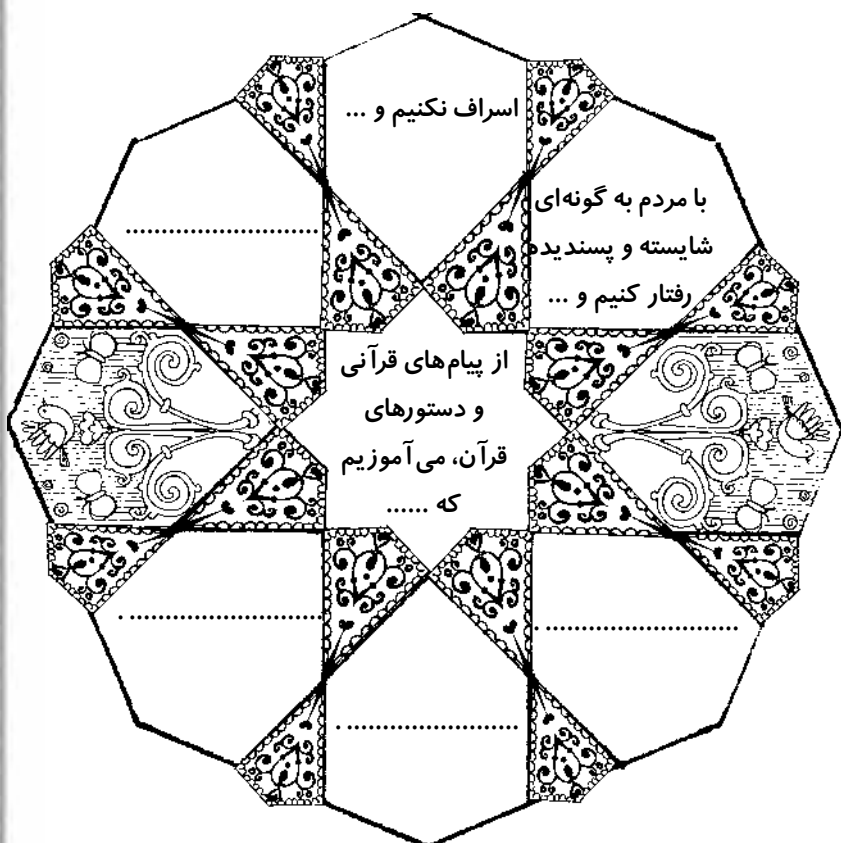


کامل کردن نمودار

به کمک یکی از دوستان،  
نمودار را کامل کن.



توصیه: به پیام‌های قرآنی  
کتاب‌های درسی‌ات توجه کن.



یادداشت آموزگار مهربان برای من: .....



## برگزاری نمایشگاه

اگر تو و دوستانت بخواهید نمایشگاهی  
از آثار هنری و کارهای دستی خود  
ترتیب دهید، چه کارهایی می کنید؟



توصیه: مسلماً ابتدا باید آثار  
هنری مناسب برای نمایشگاه  
تهیه کنید؛ برای مثال، هریک  
از بچه ها می تواند یک تابلوی  
زیبا بکشد یا ...

سپس، باید فضایی مناسب  
(کلاس، راهرو یا ...) را به  
کمک معلم انتخاب کنید تا  
در نهایت، آثار خود را در  
آن جا قرار دهید و به نمایش  
بگذارید.



یادداشت آموزگار مهربان برای من: .....



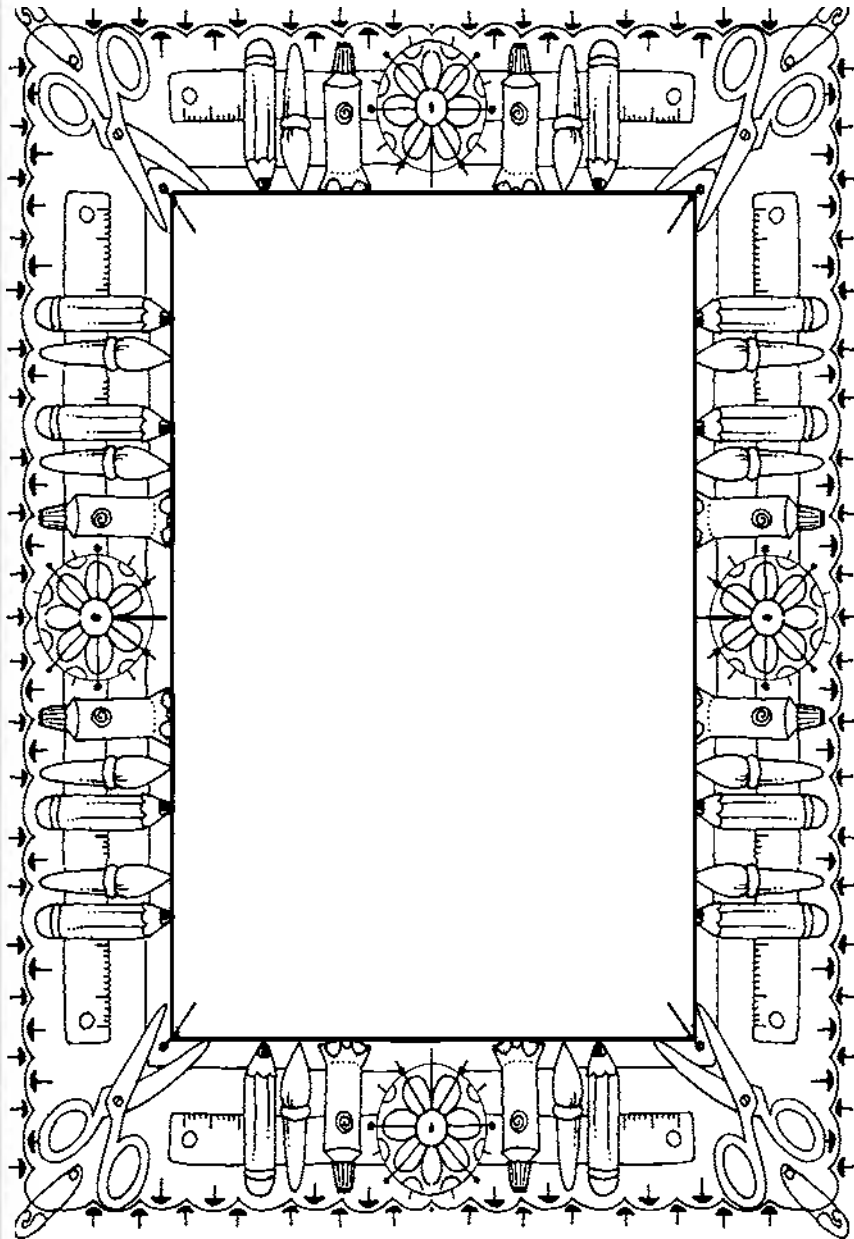
۱. به قرآن مراجعه کن و یک  
پیام قرآنی زیبا پیدا کن.



۲. پیام قرآنی را با خط زیبا  
در قاب روبه رو بنویس.



۳. با همکاری دوستان،  
نمایشگاه را برگزار کن.



یادداشت آموزگار مهربان برای من: .....

# برادرم، بازگرد!

علی - علیه السلام - می گوید:

«به دستور پیامبر خدا، «مهمانان را دعوت کردم و با غذای مطبوعی از همه پذیرایی کردم. پس از آن، پیامبر خدا لب به سخن گشود: ای فرزندان عبدالمطلب، خداوند مرا فرمان داده است که شما را به سوی او دعوت کنم. کدام یک از شما مرا در این کار یاری می کند تا برادر و جانشین من باشد؟» همه ساکت ماندند ولی من که از همه خردسال تر بودم، گفتم: «ای رسول خدا، من پشتیبان تو خواهم بود».



این ماجرا دوبار اتفاق افتاد و هر بار پیامبر به من فرمود: «بنشین!» بار سوم، پیامبر خدا دست بر شانه هایم گذاشت و فرمود: «این، برادر و جانشین من است، مطیع او باشید!»



## داستان خوانی و گفت و گو

۱. یک گروه چهارنفره تشکیل دهید. هریک از شما یکی از داستان های صفحه های ۲۷ تا ۲۹ را بخواند و به موضوع آن ها فکر کند.

داستان ها درباره ی چیست؟

نشان دهنده ی چیست؟



ویژگی های جانشین شایسته ی

پیامبر خدا کدام اند؟

۲. برای پاسخ دادن به این سؤال، با دوستانت گفت و گو کن.





۳. با همکاری دوستان برای  
همه‌ی داستان‌ها، نام‌های  
مناسبی انتخاب کن.



.....  
پیامبر خدا فرمود: «ای علی، لباس سبزرنگ مرا بپوش و در بستر من

بخواب.»

آن‌گاه برای هجرت به مدینه رهسپار بیابان شد تا از شرّ کافران در امان  
باشد. آن شب علی – علیه‌السلام – در بستر پیامبر خوابید تا دشمنان از  
رفتن او باخبر نشوند.

کافران با یک‌دیگر هم‌پیمان شده بودند که به خانه‌ی پیامبر هجوم ببرند  
و او را در خواب بکشند. آن‌ها مدّتی انتظار کشیدند و نیمه‌های شب، با  
شمشیرهای برهنه به خانه‌ی پیامبر حمله‌ور شدند اما در بستر، به جای  
او، پسر عمویش، علی، را یافتند. پس، با عصبانیت فریاد کشیدند: «رفیقت  
کیجاست؟»

علی(ع) گفت: «نمی‌دانم؛ مگر نگهبان او بوده‌ام؟ شما خواستید او برود؛  
او نیز رفت.»

کافران خشمگین، علی – علیه‌السلام – را مدّتی آزار دادند و سرانجام،  
رهایش کردند.

این‌گونه بود که خداوند بزرگ، با این عمل شجاعانه‌ی علی – علیه‌السلام –  
پیامبر خویش را از شرّ دشمنانش حفظ کرد.

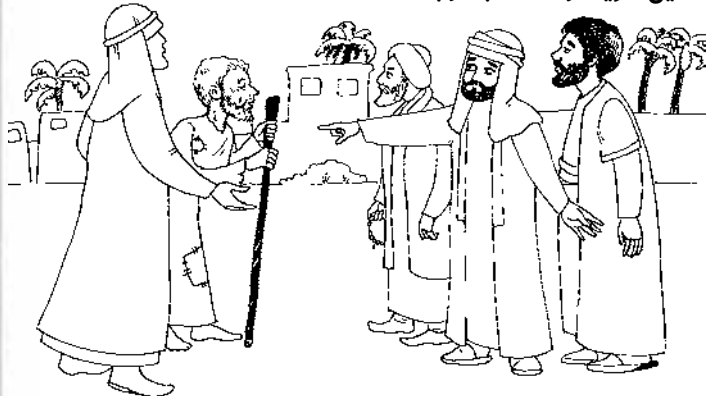
.....

پیرمرد مسیحی عمری کار کرده و زحمت کشیده بود اما ذخیره‌ای نداشت؛ نابینا هم شده بود. پیری و نابینایی او را ناتوان ساخته بود و چاره‌ای جز گدایی نداشت. مردم به او صدقه می‌دادند و او زندگی سختی را می‌گذراند.

روزی امیرالمؤمنین، علی (ع)، پیرمرد را دید. از وضعیت او پرس‌وجو کرد تا علت بدبختی‌اش را بداند: آیا فرزندی ندارد تا از او نگهداری کند؟ آیا راهی وجود ندارد تا او در این سن و سال آبرومندانه زندگی کند و مجبور به گدایی نباشد؟

کسانی که پیرمرد مسیحی را می‌شناختند، آمدند و شهادت دادند که او در جوانی کار و تلاش می‌کرده و اکنون که نیروی جوانی خود را از دست داده و نابینا شده است، نمی‌تواند کار کند.

علی - علیه السلام - فرمود: «عجب! تا وقتی توانایی داشت، از او کار کشیده‌اید و اکنون او را به حال خود واگذاشته‌اید؟ ... سوابق این مرد حکایت می‌کند که تا زمانی که توانایی داشته، کار و خدمت می‌کرده است؛ بنابراین، بر عهده‌ی حکومت و اجتماع است که در سال‌های باقی‌مانده‌ی عمرش، او را سرپرستی کند.»  
آن‌گاه از بیت‌المال مسلمانان برای او کمک هزینه‌ای تعیین کرد و دستور داد این هزینه را ماهانه به او بدهند.



..... یادداشت آموزگار مهربان برای من:



# میراث پیامبر



آن روز محمد از نگاهش  
بر چهره‌ی دشت نور پاشید  
از پشت تمام تیرگی‌ها  
خورشید به روی دشت خندید

از دعوت آسمانی او  
آرام، علی ز جای برخاست  
او گفت پس از غروب خورشید  
این رود زلال، حکم فرماست

یک دفعه، تمام دشت پر شد  
از عطر صمیمی خداوند  
بر شاخه‌ی صبح تاب خوردند  
گل‌های ظریف و سرخ لبخند

آهسته به روی دشت بارید  
لبخند فرشتگان زیبا  
هم دشت غدیر پر شد از شوق  
هم کوچه‌ی قلب آسمان‌ها

امروز که باز روز عید است  
هرچند علی میان ما نیست  
این رود زلال و صاف و شفاف  
در سینه‌ی آفتاب جاری است

□ شعر از رودابه حمزه‌ای

یادداشت آموزگار مهربان برای من: .....



## سرود خوانی

در کلاس یا مدرسه ... همراه با  
دوستان به برگزاری یک  
جشن باشکوه فکر کنید.

جشن شما کی، کجا و چگونه

برگزار می‌شود؟

هرکس چه مسئولیت‌هایی دارد و چه

کارهایی انجام می‌دهد؟

وظایف چگونه تقسیم شده است؟

بخشی از برنامه‌ی شما، می‌تواند

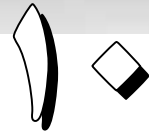
خواندن یک سرود زیبا باشد.

با همکاری دوستان، شعر این

صفحه را به صورت یک سرود زیبا

آماده کنید و در جشن بخوانید.





## تهیه‌ی گزارش

عید غدیر در شهر یا محله‌ی شما

چگونه برگزار می‌شود؟

۱. پیرس و تحقیق کن.



۲. یک گزارش کوتاه از مراسم

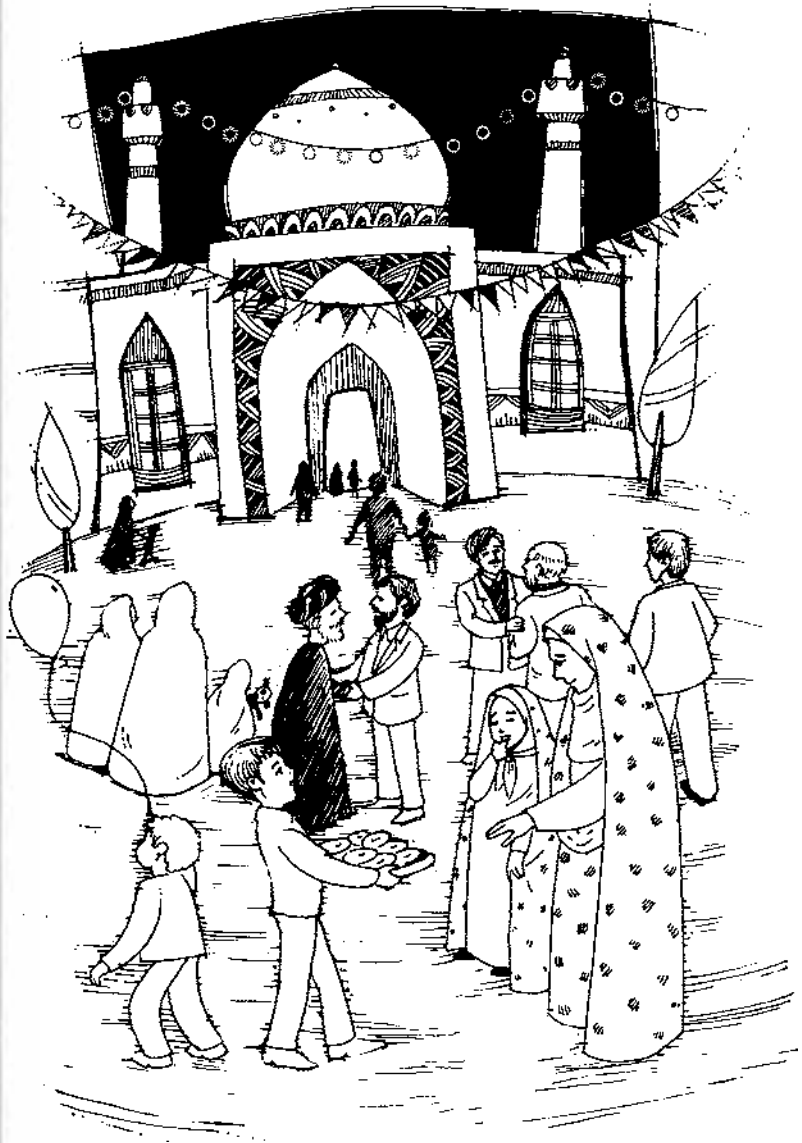
عید غدیر در شهر خودت تهیه

کن و آن را در صفحه‌ی روبه‌رو

بنویس.



۳. گزارشت را در کلاس بخوان.



یادداشت آموزگار مهربان برای من:

# اسراف ... چه چیزی؟ چگونه؟ چرا؟



## قضاوت

۱. به تصاویر نگاه کن.
۲. فکر کن.
۳. نتیجه‌ی اسراف کاری چیست؟

۴. با دوستان در این باره

گفت و گو کن.



چه باید کرد؟

۵. پیشنهادهایی بده.



توصیه: پیشنهادها را در

صفحه‌ی روبه‌رو بنویس.



یادداشت آموزگار مهربان برای من: .....



## ساختن کار دستی با دور ریختنی ها

آیا تا به حال سعی کرده ای با  
چیزهای دور ریختنی، یک کار دستی  
درست کنی؟



۱. خوب فکر کن.

۲. با بزرگ ترهات مشورت

کن.



۳. برای استفاده از وسایل

دور ریختنی در کار دستی،

طرحی را در نظر بگیر.





۴. از بزرگ تره‌ایت درباره‌ی  
طرح خود نظر خواهی کن.



۵. کار دستی را بساز و با خود  
به کلاس ببر.



۶. از دوستانت بخواه نظر خود  
را درباره‌ی کاردستی تو در این  
صفحه بنویسند.



.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

یادداشت آموزگار مهربان برای من: .....



۱

پاسخ دادن به سؤال‌ها

۱. خاطره‌ی مهدی را بخوان.



فکر می‌کنی مهدی سرانجام چه

می‌کند؟

۲. به سؤال پاسخ بده.



۳. براساس پاسخی که به

سؤال داده‌ای، داستان را ادامه

بده.

توصیه: خوب است قبل از

نوشتن بقیه‌ی داستان، با

دوستان در این باره مشورت

کنی.



در مدرسه‌ی ما یک جعبه‌ی بزرگ وجود دارد که لباس‌هایی را که جامانده است، در آن می‌گذارند. همیشه در این جعبه یک عالمه لباس هست!

بچه‌ها، بعضی وقت‌ها چیزهایی را در مدرسه جا می‌گذارند. متأسفانه، من هم... چند روز پیش پالتوی من در مدرسه گم شد. همه جا را گشتم ولی آن را پیدا نکردم. از این که بچه‌ها بشنوند یک کلاس پنجمی لباسش را گم کرده است، خجالت می‌کشیدم. بزرگ‌ترهایم هم از این ماجرا متعجب و شاید حتی عصبانی می‌شدند.

به هر حال، خیلی جست‌وجو کردم و در نهایت، به





سراغ جعبه‌ی لباس‌ها رفتم. درون جعبه را گشتم و سرانجام، یک پالتو شبیه مال خودم پیدا کردم. هیچ فرقی با پالتوی من نداشت اما مطمئن بودم که مال من نیست و برداشتن آن «حرام» است. باز هم گشتم ولی...



۴. پس از تمام شدن داستان،  
نظر دوستان را درباره‌ی آن  
پرس.



.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

مهدی حسین زاده، کلاس پنجم از  
مدرسه‌ی گل‌ها



یادداشت آموزگار مهربان برای من: .....





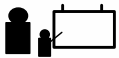
۲

گفت و گو و نتیجه گیری

اموال خصوصی چه چیزهایی

هستند؟

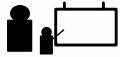
۱. پاسخ بده.



کدام یک جزو اموال عمومی است؟

چرا؟

۲. مشخص کن.





چگونه می توان اموال خصوصی و  
عمومی را حفظ کرد؟  
۳. با دوستان در این باره  
گفت و گو کن و نتیجه ی  
گفت و گو را بنویس.



.....

.....

.....

.....



.....

.....

.....

.....

.....



.....

.....

.....

.....



.....

.....

.....

یادداشت آموزگار مهربان برای من: .....

قصه‌ی نگین به من می‌آموزد که ...

۱. یونس نسبت به امام هادی - علیه‌السلام - ...

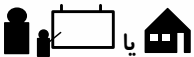
۲. امام هادی - علیه‌السلام - و یارانش به هنگام ...

۳. هنگام پیش آمدن مشکلات، مسلمانان می‌توانند ...



### کامل کردن عبارت‌ها و قضاوت

۱. با توجه به متن درس، اکنون  
عبارت‌ها را کامل کن.



نظر دوست چیست؟

۲. نوشته‌ات را با نوشته‌ی  
دوست مقایسه کن.



یادداشت آموزگار مهربان برای من: .....

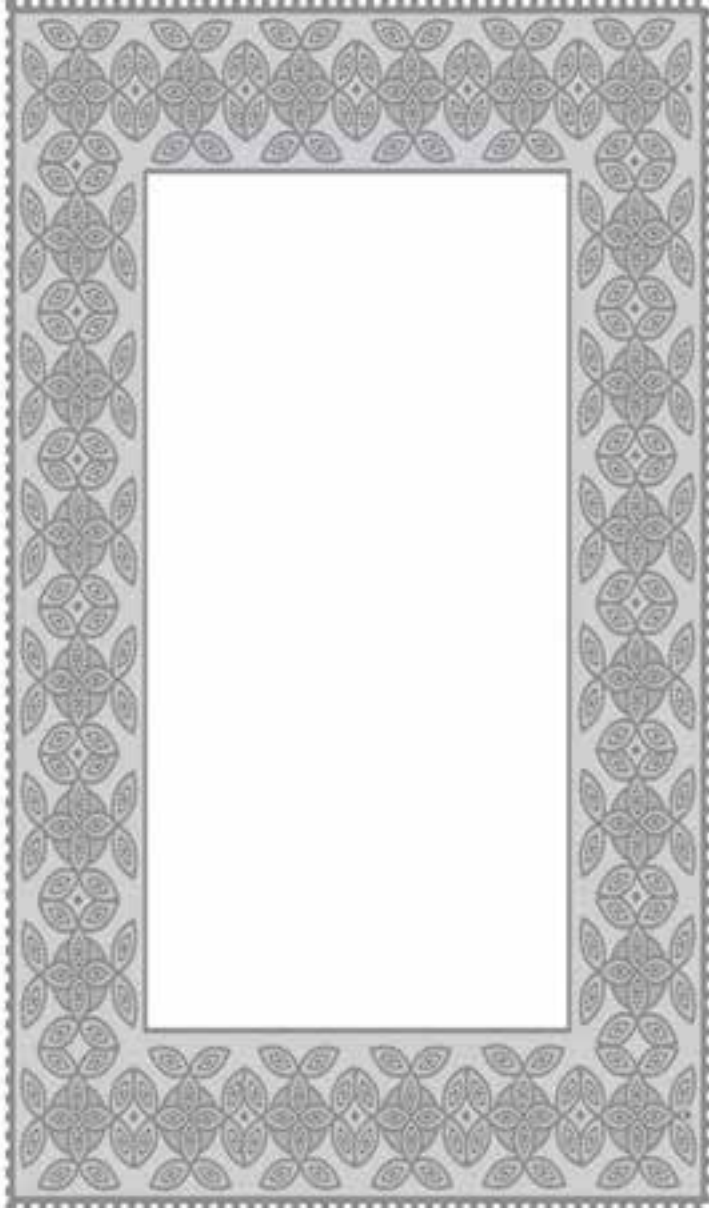


### جست وجوی حدیث

کلمات درهم ریخته ی زیر،  
حدیثی کوتاه از امام هادی  
— علیه السّلام — است. با  
مرتب کردن آن ها حدیث را  
پیدا کن و با خطّ خوش  
بنویس.

انسان، می دارد، خودپسندی،

یادگرفتن، را، از، باز



یادداشت آموزگار مهربان برای من: .....



### بازی متن

با همکاری دوستان، متن  
درس را به صورت یک  
نمایش نامه در کلاس اجرا کن.

توصیه: مشخص کن برای این  
نمایش، چه چیزهایی مورد نیاز  
است و چه کارهایی باید انجام  
شود.



یادداشت آموزگار مهربان برای من: .....

حضرت امام حسن عسکری - علیه السلام - در نامه‌ای خطاب به یکی از دانشمندان ایرانی چنین نوشته است:

بسم الله الرحمن الرحيم

نماز را در اول وقتش بخوان و زکات مال خود را بپرداز. از بدی‌های دیگران در گذر. با خویشان و بستگان احسان و خوش رفتاری کن. با برادران دینی خود همدردی کن. در همه حال، در بر آوردن نیازهای مردم کوشا باش. خوش برخورد و خوش اخلاق باش.

مردم را به کارهای نیک امر کن و از کارهای زشت و ناروا بازدار و خودت را نیز با گناه و کار زشت، آلوده مکن. هنگامی که خشمگین می‌شوی، خشم خود را فرو ببر. در کارها عاقبت‌اندیش باش. در زندگی هرگز از دستورهای قرآن، جدا مشو. در عمل به دستورات دین کوشا باش و به امید و انتظار پیروزی کامل، بکوش.

پیروان ما از اوضاع عمومی دنیا ناخشنودند و در انتظار پیروزی کامل می‌کوشند تا حضرت مهدی - که پیامبر خدا مژده‌ی ظهورش را داده است - ظاهر شود و به یاری مردان شایسته و پیروان پاک خود، جهان را پر از عدل و داد کند. آگاه باش که سرانجام، مردم شایسته و پرهیزکار پیروز خواهند شد. سلام بر تو و بر همه‌ی شیعیان

۱. پرداخت زکات، یکی از وظایف مسلمانان است.

یادداشت آموزگار مهربان برای من: .....



## جست و جوی اطلاعات در متن

۱. متن نامه‌ی امام حسن عسکری (ع) را با دقت بخوان.



یک مسلمان واقعی باید با دیگران چگونه رفتار کند تا به دستورات امام خود عمل کرده باشد؟

۲. با توجه به نامه، پاسخ بده.



# دست در دست دوست

۱۵



۱

۱. این داستان را برای یکی از نزدیکانت که بیشتر به او علاقه داری بخوان و احساسش را پس از شنیدن داستان بپرس. سپس آن را بنویس.



۲. عبارت مقابل را با توجه به پیام درس تکمیل کن. من از امروز عهد می بندم که ...



۱. من این داستان را برای ..... خواندم و او پس از شنیدن گفت .....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

۲. من از امروز عهد می بندم که .....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

یادداشت آموزگار مهربان برای من: .....



در انتظار هستم  
روزی که او بیاید  
با دستی از شکوفه  
گویی بهار هستم



ناگاه خواهد آمد  
با دستی از شکوفه  
در لحظه‌ای پر از گل  
از راه خواهد آمد



از غرب در بیاید  
خورشید، شاید آن روز  
آن روز سر بیاید  
یا شاید عمر خورشید



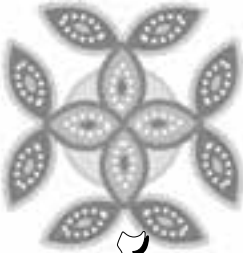
آن روز می‌توان دید  
بوی گل و هوا را  
با جویبار خندید  
آن روز می‌توان باز



پایان فصل سردی  
از عمر انتظار است  
آن روز آخرین روز  
آغاز نوبهار است



یادداشت آموزگار مهربان برای من: .....



## بازی با عبارت‌ها

در این جایست عبارت زیبا  
در اختیار داری.

این عبارت‌ها مربوط به شعر  
زیبایی از آقای جعفر  
ابراهیمی است.

تو می‌توانی با استفاده از آن‌ها  
یک قطعه شعر یا یک متن  
بسازی.

برای این کار...

۱. ابتدا عبارت‌ها را با دقت  
بخوان.

۲. سپس، آن‌ها را طوری کنار  
هم قرار بده که شعر یا متن  
زیبایی ساخته شود.

۳. در پایان، عنوان مناسبی  
برای نوشته‌ات انتخاب کن.



## بوی نرگس

بال در بال پرستوهای خوب  
می رسد آخر، سوار سبزپوش  
جامه‌ای از عطر نرگس‌ها به تن  
شالی از پروانه‌ها بر روی دوش

پیش پای او به رسم پیشواز  
ابر با رنگین کمان پل می زند  
باغبان هم - باغبان نوبهار -  
بر سر هر شاخه‌ای گل می زند

تا می آید، پرده‌ها از خانه‌ها  
باز توی کوچه‌ها سر می کشند  
مرغ‌های خسته و پرسته هم  
از میان پرده‌ها پر می کشند

در فضای باغ‌ها پر می شود  
باز هم فواره‌ی گنجشک‌ها  
هر کجا سرگرم صحبت می شوند  
شاخه‌ها در باره‌ی گنجشک‌ها

باز می پیچد میان خانه‌ها  
بوی صندل<sup>۱</sup>، بوی کندر، بوی عود  
می رسد فصل بهاری جاودان  
فصلی از عطر و گل و شعر و سرود  
شعر از: بیوک ملکی

۱. صندل: درخت کوچک و خوشبو

که در مناطق گرمسیر می روید.



## سرود خوانی

با همکاری دوستان، شعر  
«بوی نرگس» را به صورت یک  
سرود زیبا بخوان.





## نوشتن نامه

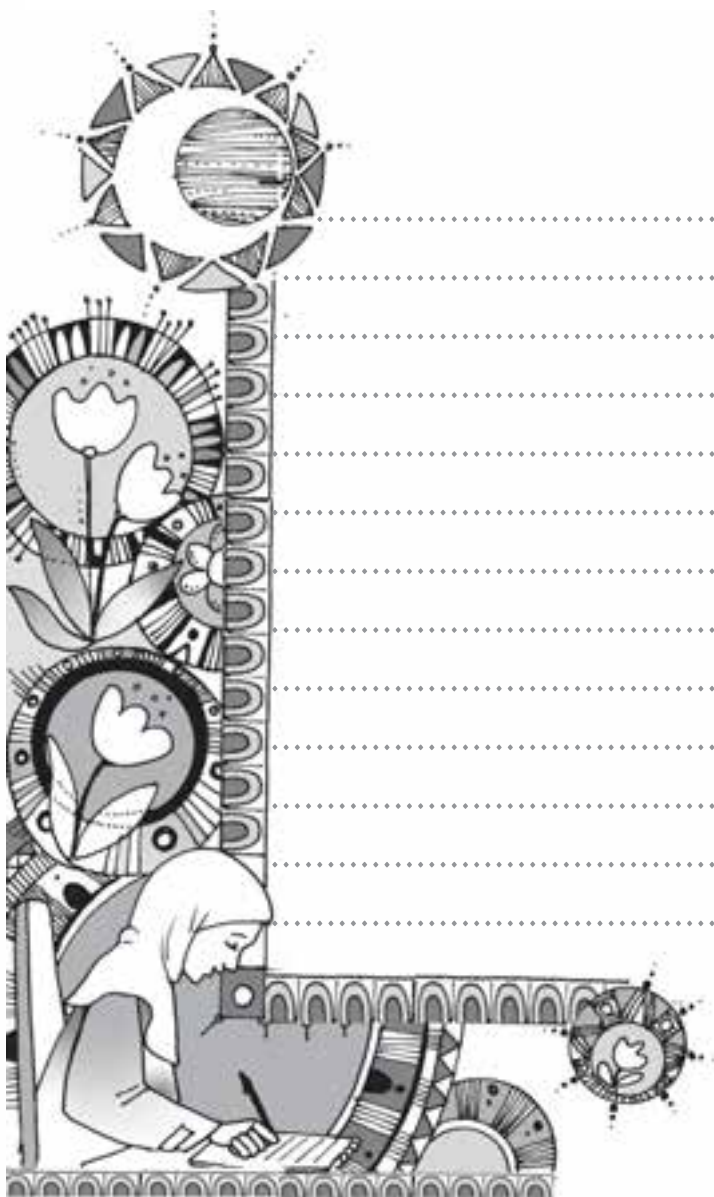
نامه‌ای بنویس؛

نامه‌ای برای امام زمان

— علیه السلام —

هر چه می‌خواهی به او بگو.

هر چه می‌خواهی از او بخواه.



یادداشت آموزگار مهربان برای من: .....



۱

## تصویر خوانی

تصویرها چه می‌گویند؟

۱. مشخص کن هریک از

تصویرها چه می‌گویند.



چه کسانی، می‌توانند مثل یک

درخت پربار و زیبا باشند؟

این افراد چه کرده‌اند که نام آن‌ها

جاوید مانده است و همه به آن‌ها

احترام می‌گذارند؟

۲. با دوستانت مشورت کن و با

توجه به تصویرها پاسخ بده.



یادداشت آموزگار مهربان برای من: .....



۲

## گفت و گو

چه کارهایی به ما کمک می کنند تا

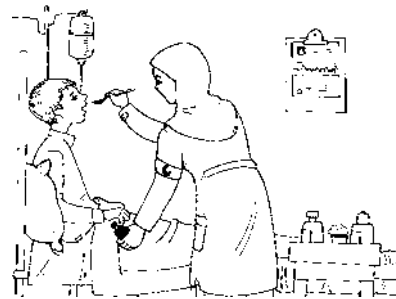
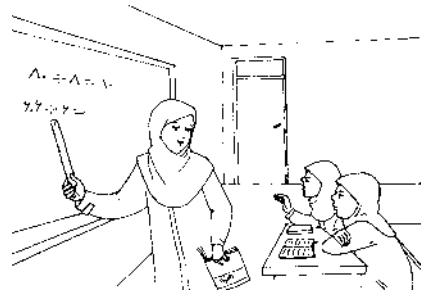
انسان هایی خوب و درست کار

باشیم؟ چرا؟

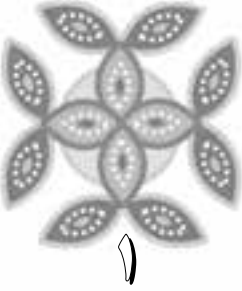
با دوستان مشورت کن و برای

پاسخ به سؤال، نمونه هایی ذکر

کن.



یادداشت آموزگار مهربان برای من: .....



## گفت و گو و مقایسه

۱. به کمک یکی از دوستان،  
یک مسابقه‌ی فوتبال را در  
ذهن خود مجسم کن؛ سپس،  
بگو یک مسابقه چه  
ویژگی‌هایی دارد.



۲. اکنون دوباره با دوستت  
مشورت کن و بگو زندگی ما  
چه شباهت‌هایی به یک  
مسابقه دارد.



یادداشت آموزگار مهربان برای من: .....





۲

### تصویر خوانی

چه کسانی در مسابقه‌ی زندگی،

موفقیت بیش‌تری به دست

می‌آورند؟

با توجه به تصویرها، بگو.



یادداشت آموزگار مهربان برای من: .....



جدول ۱

اصل توحید	



۱

گفت و گو و تکمیل

جدول (۱)

به متن درس دقت کن؛ سپس،

به کمک دوستانت به سؤال

پاسخ بده.

اصول اعتقادی ما مسلمانان

کدام اند؟

درباره ی هریک توضیح

کوتاهی بده.



توصیه: می توانی برای نوشتن،

از جدول روبه رو استفاده کنی.



یادداشت آموزگار مهربان برای من: .....

ردیف	نام امام حضرت علیه السلام	اطلاعات من درباره‌ی ایشان	یک جمله‌ی کوتاه از ایشان یا نام داستانی که درباره‌ی ایشان خوانده‌ام
۱			
۲			
۳			
۴			
۵			
۶			
۷			
۸			
۹			
۱۰			
۱۱			
۱۲			

یادداشت آموزگار مهربان برای من: .....



## گفت‌وگو و تکمیل جدول (۲)

به کمک دوستان، جدول را  
کامل کن.

توصیه: می‌توانی به بخش‌های  
«برای خواندن» کتاب‌های  
هدیه‌های آسمان مراجعه کنی.

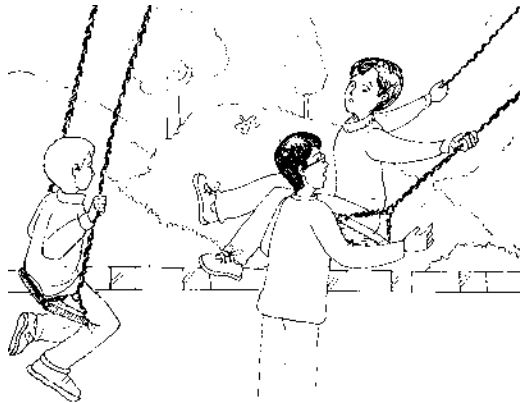


## تذکر

این سوی خیابان، خانه‌ی هادی و سوی دیگر، خانه‌ی مهدی است.  
آن‌ها با هم دوست و هم کلاس‌اند اما در رقابت با یک‌دیگر، هیچ یک از آن  
دو نمی‌خواهد از دیگری شکست بخورد.

یکی از روزهای پاییز بود.

هادی در پارک مقابل مدرسه، مهدی را در حال تاب‌بازی دید. او برای این که  
ثابت کند بهتر از مهدی می‌تواند بازی کند، سوار تاب دیگری شد و با سرعت  
زیاد شروع کرد به تاب خوردن.



دوستش محمد به او گفت: «این کار را نکن ... خطرناک است ... ممکن است  
زمین بخوری.» هادی در این باره می‌گوید: «من باید از محمد تشکر کنم؛  
اگر او به من تذکر نمی‌داد، ممکن بود خطر بزرگی برایم پیش بیاید.»



خواندن داستان و  
گفت‌وگو با دوستان

داستان را بخوان و ضمن  
گفت‌وگو با دوستان، به  
سؤال‌ها پاسخ بده.  
اگر کسی خطایی کند، تو چه  
می‌کنی؟



در یک روز زمستانی، هادی و مهدی راهی مدرسه شدند.

دو پسر بچه‌ی کوچک‌تر نیز جلوتر از آن‌ها به مدرسه می‌رفتند. ناگهان یکی از آن دو، لیز خورد و محکم به زمین افتاد. معلوم بود خیلی دردش گرفته است! دوستش با صدای بلند خندید. هادی و مهدی جلو رفتند. هادی پسرک را از روی زمین بلند کرد. مهدی کیفش را از روی زمین برداشت و به او داد. مهدی به دوست پسرک گفت: «آیا زمین خوردن دوستت، تو را خوشحال کرد؟» پسرک سرش را به علامت پشیمانی پایین انداخت. مهدی دست آن دو را به یک‌دیگر داد و گفت: «مواظب هم باشید.»



دو پسر کوچولو از مهدی و هادی خداحافظی کردند و به راه خود ادامه دادند. مهدی و هادی به یک‌دیگر نگاه کردند. علامت رضایت در چهره‌ی هر دو پیدا بود. ناگهان نگاه مهدی به ساعت افتاد:

— وای دیر شد!

— تا مدرسه مسابقه بدهیم؟

و بعد هر دو شروع کردند به دویدن و هریک سعی کرد از دیگری جلو بزند. مادرهایشان از پشت پنجره به آن‌ها نگاه می‌کردند. هر دو خوشحال و راضی بودند. هر دو زیر لب می‌گفتند:

آفرین! چه پسرهای زرنگی!

یادداشت آموزگار مهربان برای من: .....



دوست داری دیگران را به چه نوع

کارهایی تشویق کنی؟

اگر خودت خطایی مرتکب شوی،

دلت می‌خواهد دوستانت چگونه تو

را متوجه خطایت کنند؟





۲

تصویر خوانی  
و تصمیم گیری

تصویرها چه می گویند؟

۱. مشخص کن هریک از

تصویرها چه می گوید.



به کدام یک باید لیخند زد و به

کدام یک باید اخم کرد؟

کدام یک را باید تشویق کرد؟ به

کدام یک باید تذکر داد؟



۱



۲



۳



۴



۵



۶





تو در چنین مواردی، چه می کنی؟

چرا؟

۲. پاسخ بده.



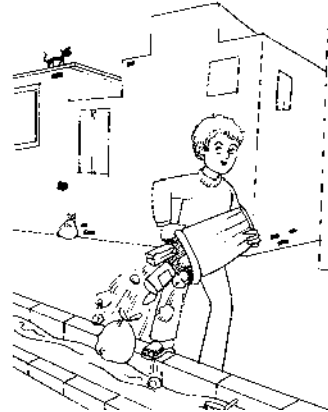
توصیه: از صفحه‌ی روبه‌رو  
برای نوشتن استفاده کن.



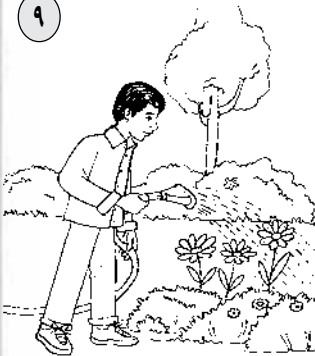
۷



۸



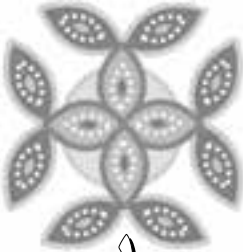
۹



۱۰

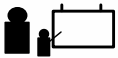


یادداشت آموزگار مهربان برای من: .....

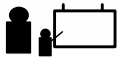


### داستان نویسی

۱. تصویرها را به ترتیب  
شماره گذاری کن.



۲. براساس تصاویر، یک  
داستان بساز.



۳. داستان را برای دوستان  
تعریف کن.



۴. نظر دوستان را درباره ی  
آن پرس.



یادداشت آموزگار مهربان برای من: .....



## بازی شیرها و پلنگ‌ها



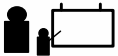
۱

## قضاوت

آن‌ها چه کار می‌کنند؟

۱. مشخص کن هریک از

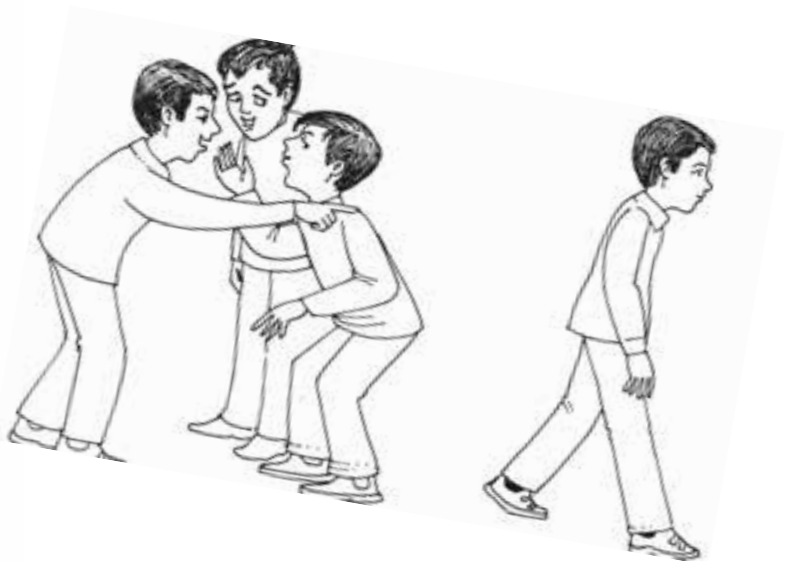
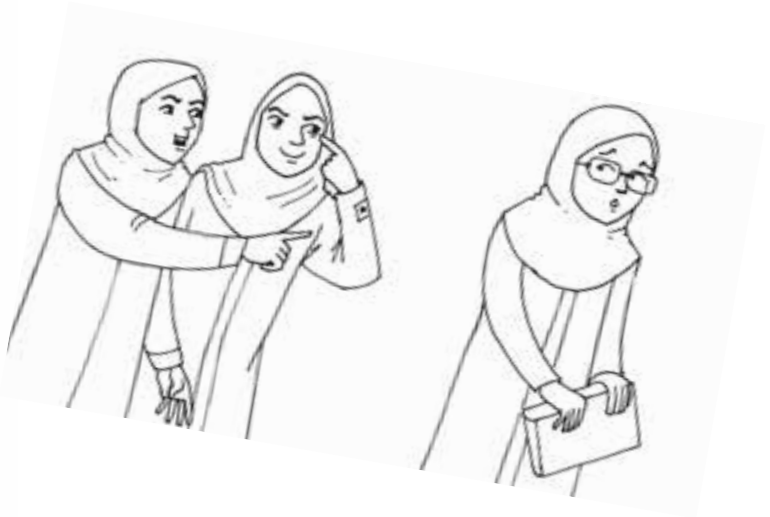
تصویرها چه می‌گویند.





نظر تو درباره ی رفتار آن ها چیست؟

۲. درباره ی رفتار آن ها با  
دوستانت گفت و گو کن.



یادداشت آموزگار مهربان برای من: .....



۱

## داستان تصویرها

به تصویرها توجه کن و به  
کمک دوستانت پاسخ بده.

هریک از تصویرها نشان دهنده‌ی  
چه بخشی از زندگی امام خمینی  
است؟



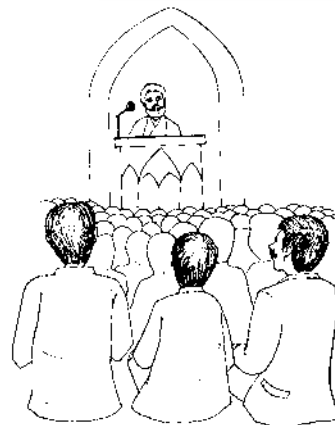
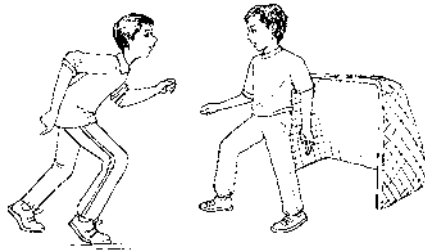
یادداشت آموزگار مهربان برای من: .....



### برنامه ریزی

روزهای جمعه چه کارهای  
شایسته ای می توان انجام داد؟  
برای روزهای جمعه ی خود چه  
برنامه ای داری؟

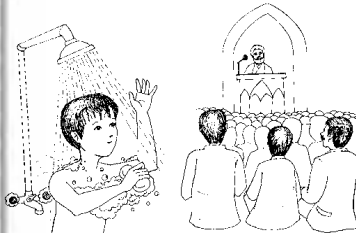
۱. کارهای خوبی را که  
می توانی انجام بدهی، فهرست  
کن.



یادداشت آموزگار مهربان برای من: .....



۲. برنامه‌ای مناسب برای یک  
روز جمعه‌ی خود تهیه کن.

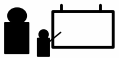


یادداشت آموزگار مهربان برای من: .....



### خاطره‌نویسی

از یک روز جمعه، در میان  
خانواده، خاطره‌ای بنویس.



.....

.....

.....

.....

یادداشت آموزگار مهربان برای من: .....



برای خدا حافظی  
با هدیه های آسمان  
یادداشت کوتاهی بنویس،  
یا از دوست یا معلّم  
بخواه برای تو  
مطلبی بنویسند.



## «یادداشت های من»

